

مقدمه‌ای بر شناخت پرتو اصفهانی

حجت توسلی*

چکیده

میرزا علی‌رضا، مشهور به میرزا آقاخان و متخلص به پرتو، شاعر و خوش‌نویس سده ۱۳ (ق/۱۹ م) میان سال‌های ۱۲۱۳ تا ۱۳۰۴ هجری قمری حیات داشته است. وی از خطاطان برجسته دربار ناصرالدین شاه بوده و مجموعه خوش‌نویسی‌های ایشان به همراه قرآنی مذهب، در کتاب‌خانه‌های ملک و سلطنتی سابق محفوظ است. دیوان اشعار ایشان متشکل از غزلیات، قصاید و قطعات بوده که در مضامینی چون: مدح، وصف، وعظ و حکمت سروده شده و توسط نگارنده نیز تصحیح و منتشر گردیده است. سبک بازگشت ادبی در اشعار پرتو به وضوح نمایان بوده و از این لحاظ یادآور اشعار حافظ، سعدی و سایر شاعران متقدم است. هم‌چنین تبصر در سرودن ماده تاریخ، از دیگر ویژگی‌های شعری ایشان بوده است که بیش‌تر در باب تعمیر و ساخت مسجدهای اصفهان و تاریخ درگذشت شاعران هم‌عصر خود نگارش یافته و مورد استناد تاریخ‌نویسان نیز قرار گرفته است. این گفتار سعی بر شناخت و معرفی بیش‌تر ایشان، به عنوان شاعر و خوش‌نویس برجسته دوره قاجاریه دارد.

کلید واژه

سبک بازگشت ادبی، شاعران حوزه اصفهان، انجمن شعری ابوالفقرا، خوش‌نویسی و تذهیب، ماده تاریخ، پرتو اصفهانی.

* عضو هیأت علمی دانش‌گاه آزاد اسلامی - واحد نایین.

مقدمه

پس از آن که شاعرانی چون آذر بیدگلی، میرزا محمدصادق نامی و دیگران در نظریات ادبی خویش از بنیادهای شعر سبک هندی ابراز دل‌زدگی و انزجار نمودند، بتدریج توجه آن‌ها به سمت و سوی سوق یافت که در آغاز به شعر سبک عراقی روی خوش نشان می‌داد و سرانجام به پی‌ریزی پایه‌های مکتبی منتهی گشت که عنوان مکتب گذشته نگر یا بازگشت ادبی را در پی داشت. به این افراد، پیروان دوره نخست مکتب بازگشت ادبی اطلاق می‌گردد.

در عصر زندیه و سپس قاجاریه نیز شاعرانی که الگوی شعرشان، شاعرانی دیگر چون حافظ، سعدی، مولوی، سنایی و... بودند، پس از اندکی فاصله گرفتن از نوع نگاه شاعران سبک هندی، بتدریج به شعر شاعران سبک خراسانی متمایل گشتند و این امر موجب گردید که سخن‌سرایی چون فرخی، اسدی، انوری، عنصری، امیر معزی و بویژه حکیم طوس، ابوالقاسم فردوسی کانون توجه قرار گرفته، موجب آفرینش مثنوی‌های حماسی، چون شهنشاہ نامهٔ ملک الشعراء صبا کاشانی و دیگران گردد.

بعد از این، دورهٔ ادبی دیگری که به مکتب بازگشت یا رستاخیز ادبی^۱ معروف است آغاز می‌گردد. در این دوره، بطور کلی اغلب شاعران، خود به سبک شناسانی چیره دست مبدل گردیده، بسیاری از آنان به تقلید از شاعران پیرو این مکتب دست به خلق آثاری یازیدند که متأسفانه جز معدودی، حاصل و نتیجه کار چیزی جز تقلید و ارتجاع نبود. در حوزهٔ اصفهان و بویژه در نیمهٔ دوم قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم نیز شاعرانی بسیار ظهور کردند، لیکن آن گونه که بایسته و شایسته است مورد توجه و شناخت قرار نگرفته‌اند.^۲

یکی از شعرای برجسته که دیر زمانی در این حوزه به سخن‌سرایی پرداخته و به لطف عمر نسبتاً طولانی و حضور در بسیاری از انجمن‌های ادبی در کنار چکامه‌سرایی، در خوش‌نگاری و تذهیب نیز صاحب نظر و سرآمد هم‌عصران خود بوده، پرتو اصفهانی است.

نگاهی به احوال و آثار پرتو اصفهانی

میرزا علی‌رضا^۳ یا میرعلی‌رضا^۴ مشهور به میرزا آقاخان^۵ و متخلص به «پرتو» شاعر و خوش‌نویس سدهٔ سیزدهم هجری قمری است. پدرش آقا محمدعلی لنجانی اصفهانی^۶ از مالکان و کارگزاران دولتی بود.^۷ تاریخ دقیق ولادت پرتو معلوم نیست، لیکن به قرینهٔ

تاریخ وفات و مدت حیات، احتمالاً در حدود سال ۱۲۱۳ هجری قمری، در روستای اُشیان لنجان، از توابع اصفهان دیده به جهان گشود.^۸ از این روی در برخی منابع از ایشان به نام «پرتو لنجانی» نیز یاد شده است.^۹

پرتو از اوآن خردسالی تحت تأثیر تربیت پدر که از دانش و هنر بی‌بهره نبود، تحصیلات ابتدایی را در مدرسه «نوریه» اصفهان از مدارس دوره صفویه، همراه با کسانی چون محمدعلی مذهب، نویسنده تذکره یخچالیه گذرانده^{۱۰}، به فراگیری علوم ضروریه^{۱۱} و خوش‌نویسی همت گمارد.^{۱۲} نیز در محضر استادانی چون آقامحمد زین‌العابدین اصفهانی ملقب به «اشرف الکتّاب»^{۱۳} و آقا غلام‌علی، که هر دو از سرآمدان خوش‌نویسی در عصر خویش بودند، به تکمیل خط نسخ پرداخت.^{۱۴} بگونه‌ای که با طی مدارج آن هنر بسرعت در شمار استادان خط نسخ، نستعلیق، ثلث و رقاع قرار گرفته،^{۱۵} از سوی برخی بزرگان، ملقب به «استاد الخطاطین» گردید.^{۱۶}

سبک و شیوه پرتو در نگارش خط نسخ، با استاد خود «اشرف الکتّاب» تفاوت‌هایی داشت و به همین دلیل ایشان سبکی ترکیبی از دو استاد خود یعنی آقا غلام‌علی و اشرف الکتّاب را ابداع نموده، در نسخ نویسی بکار بست.^{۱۷}

تبحر پرتو در خوش‌نویسی و حسن خلق ایشان، موجب گشت تا شاگردانی زیاد هم‌چون سیدعلی اکبر زواره‌ای، ملامحمد تقلی و ملامحمدباقر خوش‌نویس و جمعی دیگر که خود در یک بیت به بسیاری از آن‌ها اشاره نموده، از محضر ایشان بهره‌مند گشته و بعدها تبدیل به استادانی چیره دست شدند.^{۱۸}

پرتو در مدت اقامت در اصفهان، در یکی از حجره‌های مدرسه نوریه سکونت داشت و شاگردانش دوبار در هفته نزد وی می‌رفتند و غالباً، حجره ایشان مجمعی برای حضور شاعران و هنرمندان اصفهان بود.^{۱۹} ایشان هم‌چنین با برخی صاحبان قلم و اندیشه معاصر خود، از جمله عبدالمحمدخان ایرانی اصفهانی، مدیر روزنامه چهره‌نما در مصر^{۲۰} و رضا قلی‌خان هدایت، صاحب مجمع الفصحا، مصاحبت و معاشرت داشت. وی در باب پرتو می‌نویسد: «صحبتش روزی گشت، بس خلیق و مهربان و خوش طبع و نکته‌دان. اشعارش پسندیده و اخلاقش حمیده است».^{۲۱}

پرتو پس از مدتی سکونت در اصفهان با شهرتی که در خوش‌نویسی تحصیل کرده بود، به تهران مهاجرت کرد و بدین گونه زمینه تقرب ایشان، به عنوان خوش‌نویس در دربار ناصرالدین شاه، فراهم گشت.^{۲۲} او مدتی بعد از حضور در دربار به دستور فرهاد میرزا معتمدالدوله، پسر عباس میرزا، در سال ۱۲۹۷ هجری قمری «قرآن مجید» را به خط زیبای نسخ کاتب نمود، که هم‌اکنون از زیباترین قرآن‌های مذهب کتاب‌خانه

موزه ملی ملک بشمار رفته، جزو نسخه‌های نفیس محسوب می‌شود. این قرآن تذهیب شده، دارای ۲۲۹ برگ بوده و هر برگ آن متشکل از ۹ سطر است.^{۲۳}

در این کتابخانه، هم‌چنین قرآنی دیگر موجود بوده که توسط ایشان در تاریخ ۱۲۷۷ هجری قمری به خط نسخ، جهت ناصرالدین شاه کتابت گردیده است.^{۲۴} این قرآن به همراه ۱۵۰ قرآن دیگر (از جمله قرآنی به خط پرتو که اکنون در کتابخانه و موزه ملی است) به نام «گنجینه قرآن» در موزه ایران باستان، به نمایش درآمد و توسط جلال‌الدین همایی نیز رؤیت شده است.^{۲۵} هم‌چنین در کتاب «فهرست قرآن‌های خطی» کتابخانه سلطنتی، ذیل عنوان کاتبان و مذهبیان نیز یاد و نام وی به عنوان کاتب قرآن ثبت شده است.^{۲۶} وی هم‌چنین غیر از قرآن کریم، ادعیه و سایر کتب را جهت بزرگان کتابت می‌نمود،^{۲۷} که از آن جمله می‌توان به کتابت «دعای کمیل» به خط نسخ در سال ۱۲۶۶ در تهران^{۲۸} و قطعه‌ای دیگر به خط نسخ در سال ۱۲۰۵ اشاره نمود.^{۲۹}

پرتو علاوه بر خوش‌نویسی، از جمله شاعران پرآوازه و مطرح عصر خویش محسوب می‌گردید و با کسانی چون همای شیرازی، مسکین و سروش اصفهانی، میرزااحسین علی‌آشفته اصفهانی و ملامحمدباقر اصفهانی معروف به «ابوالفقرا»، مصاحبت و مجالست داشت.^{۳۰}

ملا محمد باقر اصفهانی، با تأسیس انجمنی ادبی به نام «انجمن ابوالفقرا» مکانی برای طبع آزمایی و حضور شاعران و سخن‌سرایان ایجاد کرده بود، که پرتو و مسکین اصفهانی از اعضای اصلی آن بشمار می‌رفتند. عمان سامانی از شاعران سده سیزدهم^{۳۱}، در قصیده انجمنیه‌ای که در معرفی و توصیف شاعران انجمن ابوالفقرا سروده است، پس از ذکر نام مؤسس انجمن و مسکین اصفهانی، از پرتو به عنوان سومین شاعر آن انجمن چنین یاد می‌کند:

«...وان دگر پرتو که خورشیدبست با فر و شکوه
 «زبید این شعر منوچهری به وصف حضرتش
 «شعر او فردوس را ماند که اندر شعر اوست
 ز آسمان مردمی در انجمن پرتو فکن»
 گرچه او خود گفته در مدح ابوالقاسم حسن»
 هر چه در فردوس ما را وعده کرده ذوالمنن»^{۳۲}

ایشان هم‌چنین در توصیف هنر پرتو و شخصیت مسکین و رابطه صمیمانه آن دو با یک دیگر، در ادامه قصیده چنین می‌گوید:

«او چو مسکین در هنر، مسکین چو او در مردمی
 «هر دو پنداری که یک جانند پنهان در دو جسم
 این چو آن یک هوشیار و آن چو این یک مهترن»
 یا یکی جسمند و ظاهر گشته در دو پیرهن»^{۳۳}

مسکین اصفهانی نیز در قصیده انجمنیه‌ای که در معرفی تعدادی از شاعران انجمن ابوالفقرا سروده، در مورد خط، شعر و مقام شاعری پرتو چنین گفته است:

«... اوستادان سخن‌دان همه را طوماری
 هست در دست که پر از غزل و مدح و ثناست»
 «... وان دگر پرتو کز پرتو نظم‌ش خورشید
 صبح تا شام همی در طلب کسب ضیاست»
 «او چو خورشید و به هر جا فکند پرتو نظم
 دگران را همگی چشم بر او چون حرباست»
 «خط او چون شه و خط دگران هم‌چو غلام
 شعر او چون مه و شعر دگران هم‌چو سُهاست»^{۳۴}

پرتو، علاوه بر آثار خوش‌نویسی که از او برجای مانده، صاحب دیوان اشعاریست که اکنون بسیار کم‌یاب بوده و دست روزگار صفحات آن را مدروس و ناخوانا کرده است. این دیوان، نخستین بار توسط میرزا حسین خان انصاری، متخلص به ثمر، گردآوری گردید که پس از اضافه شدن اشعار ایشان به انتهای دیوان، در سال ۱۳۰۴ هجری قمری، با مقدمه محمدحسین فروغی، همراه با دیوان ثمر اصفهانی، در یک مجلد چاپ سنگی شد.^{۳۵} و دیگر بار توسط نویسنده، با اضافه نمودن مقدمه و حواشی و هم‌چنین تصحیح بیت‌ها و کلمه‌هایی ناخوانا و محو شده، در سال ۱۳۸۶ هجری شمسی مجدداً چاپ و منتشر گردید.

دیوان اشعار پرتو، مشتمل بر غزلیات، قصاید، قطعات و یک مسمط بوده که در مضامینی چون: مدح (پیامبر اکرم، ناصرالدین شاه) وصف (طبیعت، معشوق)، اندرز و حکمت، شکوه از روزگار و مفاهیم عاشقانه و عارفانه سروده شده است. سبک بازگشت ادبی در اشعار پرتو بوضوح دیده شده و بطور کلی شیوه شاعری او، همانند بسیاری از شاعران هم‌عصر خود، بر استقبال از شیوه شاعران پیشین، در اراییه مضامین نغز و دل‌کش استوار است. بگونه‌ای که در اقسام موسیقی شعر، یعنی وزن عروضی، ردیف و قافیه، جناس‌ها و مجموعه هماهنگی‌ها و ارتباط‌های معنوی، شباهت‌هایی زیاد بین شعر وی و شعر شاعران سبک عراقی بویژه شیخ اجل، سعدی شیرازی ولسان الغیب حافظ، ملاحظه می‌گردد. به عنوان مثال، قصیده‌ای از ایشان در مدح رسول اکرم (ص) با ردیف «محمد» به مطلع:

«خیمه به عالم چو زد جلال محمد گشت جهان روشن از جمال محمد»^{۳۶}

سروده شده که یادآور قصیده‌ای از سعدی با همان ردیف است.

«ماه فروماند از جمال محمد سرو نباشد به اعتدال محمد»^{۳۷}

و یا غزلی دیگر از دیوان پرتو به مطلع:

«دوش از آتش می چهره برافروخته بود شعله خوبی که بسی خرمن دل سوخته بود»^{۳۸}

ظاهراً در اقتباس از این غزل حافظ سروده شده است:
 «دوش می آمد و رخساره برافروخته بود تا کجا باز دل غم‌زده‌ای سوخته بود»^{۳۹}

البته پرتو، خود نیز در بیتی از دیوان خویش، به توجه و تقلید از سبک و شیوه قدما اشاره نموده و به این موضوع معترف است:
 «پرتو به طرز سعدی کردی بیان ولیکن خوش‌تر که لب ببندی در پیش خوش بیان»^{۴۰}

در حقیقت سراسر دیوان اشعار پرتو مشحون از اقسام شباهت‌ها و اقتباس‌های شعری بوده که با رجوع به آن، این موضوع بیش‌تر آشکار می‌گردد.

از دیگر ویژگی‌های ادبی و شعری پرتو، مهارت در سرودن ماده تاریخ است، که برخی از آن‌ها با ذکر مناسبت در کتاب «موارد التواریخ» نقل شده است.^{۴۲} غالب ماده تاریخ‌های پرتو در باب تاریخ تعمیر و ساخت مساجد اصفهان و هم‌چنین تاریخ درگذشت شاعران معاصر وی سروده شده، که عمدتاً مورد استناد تاریخ‌نویسان قرار گرفته است.^{۴۳} از جمله آن‌ها می‌توان به بیت‌هایی در باب ساخت مسجد صفا (شه‌شهان) اصفهان که در بالای سر در مسجد و با خط نستعلیق نگاشته شده اشاره نمود:

بنا شد چو این مسجد با صفا به عون خداوند رکن و حطیم
 ز پرتو به تاریخ آن شد سؤال بگفتا: «لساعیه فوز عظیم»
 «نمقه محمدتقی یا حنان عمل آقاخان»^{۴۴}

هم‌چنین بیتی دیگر در باب فوت حاج محمدجعفر آواده‌ای، از شاگردان مرحوم حجت‌الاسلام سیدمحمدباقر شفتی، که در شب سه‌شنبه ۱۹ رمضان سال ۱۲۸۰ قمری اتفاق افتاد، پرتو ماده تاریخ آن را بدین‌گونه سروده است:
 سال تاریخش ز پرتو شد سؤال گفت «الهم نور مضجعه»^{۴۵}

پرتو در زمان کهولت، به‌عنوان خوش‌نویس مخصوص ناصرالدین شاه، در دربار وی حضور داشته، در آن‌جا بسیار محترم می‌زیست^{۴۶} و در مراکز ادبی عصر خود نیز از مقام و رتبه‌ای ویژه برخوردار بود.^{۴۷} مطابق نظر برخی از تذکره‌نویسان، وی در روزهای پایانی عمر به زادگاه خویش بازگشته و در سال ۱۳۰۳ هجری قمری در دارالسلطنه اصفهان، بدورد حیات گفته است.^{۴۸} در حالی که برخی دیگر، اقامت او را در پایان عمر، در تهران دانسته‌اند، اما به مکان فوت و مقبره او اشارتی نمی‌نمایند.^{۴۹} عده‌ای نیز بدون ذکر جزئیات، وفات وی را بین سال‌های ۱۲۹۷ تا ۱۳۰۶ هجری قمری در نظر گرفته‌اند.^{۵۰} لیکن با استنباط از مقدمه دیوان اشعار پرتو که در سال ۱۳۰۴ هجری قمری طبع

گردیده و نویسنده آن نیز سال مرگ پرتو را یک‌سال قبل از طبع کتاب عنوان نموده،^{۵۱} سال ۱۳۰۳ هجری قمری، به عنوان سال وفات پرتو صحیح‌تر بنظر می‌رسد. باری آن‌چه مسلم می‌نماید، این است که پرتو در زمان مرگ حدود ۹۰ سال سن داشته و از نگاه دیگران فردی بسیار معقول و مقبول بوده که علاوه بر خوش‌نویسی در زمان حیات به شاعری نکته‌دان، خوش طبع، نیک محضر و مهربان شهره بوده است.^{۵۲} میرزا محمد حسین ادیب اصفهانی ملقب به فروغی از هم‌عصران پرتو، که دیوان اشعار وی را نیز طبع نموده، در توصیف شخصیت پرتو می‌گوید:

«پیری ادب آموز جوانان نه که میری در مملکت نطق و بیان آمر و ناهی»
«هم دوده خط را به قلم کرده سرافراز هم سلسله نطق از او گشته مباهی»^{۵۳}

پرتو با بینش وسیع و احاطه کامل بر لغات و اصطلاحات و با حفظ امانت و عفت قلم، مفاهیم و موضوع‌های شعری را در اشعار خود به گونه‌ای آرایه می‌کند که کمتر اثری از سخنان لغو، هجو و یا هزل در آن‌ها مشاهده می‌گردد. هرچند که به تناسب سبک و شیوه ادبی دوره خویش (سبک بازگشت) اقتباس‌ها و شباهت‌هایی زیاد در شعر وی وجود داشته، ولی هیچ‌کدام مانعی در جهت آرایه زیبایی و دل‌نشینی کلام و شعر او نمی‌گردد. وی به عنوان فردی آگاه که از علم و هنر بهره‌مند بوده و از نزدیک با مرکز حکومت و دربار ارتباط داشته و به لطف عمر نسبتاً طولانی، تجاربی را نیز کسب کرده، از بیان پند و اندرز در ضمن اشعار خود غفلت نورزیده است؛ بطوری که در تمام اشعار ایشان شعری که خالی از این مفاهیم باشد، کمتر یافت می‌شود. بطور کلی وعظ و حکمت از مفاهیم اصلی شعر پرتو محسوب می‌شود که بگونه‌ای آشکار روح غالب اشعار وی را دربر گرفته است؛ مفاهیمی چون: معرفت خداوند، پذیرش قضای الهی، قناعت و استغنا، صبر و پایداری، رضایت و خشنودی، غنیمت دانستن وقت، جهد در کسب علم و دانش و مفاهیمی از این دست:

«در این جهان پر آشوب آن‌کس آسوده است که در دیار قناعت مقیم کوی رضاست»^{۵۴}

«گر که معرفت حق نباشدت حاصل هزار خرمن طاعت ز تو به یک خشخاش»^{۵۵}

«دل بنما چو آینه تا که ز نقص واره‌ی کس به عبث نمی‌شود شهره به پاک‌دامنی»^{۵۶}

به هر حال، سراسر دیوان پرتو، مشحون از شعرهایی است که در آن‌ها سلاست و عذوبت در لفظ و فخامت در معنی به گونه‌ای ظریف با انتباه و آگاهی هم‌راه گردیده و سراینده آن را به عنوان یکی از شعرای مطرح عصر خویش معرفی می‌نماید.



در پایان یک نمونه از غزلیات ایشان بعنوان شاهد مثال ارایه می‌گردد:

«هرکجا کوی نگارست، بهار است آن‌جا	خاک، خوش‌بوی‌تر از مشک تتر است آن‌جا»
«در درونت اگر آلوده کینیسست بشوی	پاک کن خانه دل، منزل یار است آن‌جا»
«رای روشن طلبی، رخ ز در شیخ بتاب	که بس آینه دل پر زغبار است آن‌جا»
«غم اگر تاختن آرد، سوی می‌خانه شتاب	زان‌که شادی به میان، غم به کنار است آن‌جا»
«نو گل تازه چه باکت ز نظر بازان است	هرکجا هست گلی، زحمت خار است آن‌جا»
«گو مبین دیده رخ روز و سواد شب را	هر کجا زلف و رخت لیل و نهار است آن‌جا»
«هرکجا پرتو از آینه رخ پرده گرفت	آفتابش به ادب آینه‌دار است آن‌جا» ^{۵۷}

نتیجه‌گیری

پرتو اصفهانی از جمله هنرمندان و شاعران مطرح سده سیزدهم بوده که به گواهی تذکره نویسان و مورخان و همچنین آثار بجای مانده از ایشان، در زمره شاعران، خوش‌نویسان و تذهیب‌نگاران معروف عصر خویش قرار داشته است. قرآن‌های مذهب نوشته شده از سوی او و همچنین دیوان اشعار بجای مانده از وی، از جمله آثاری ارزنده محسوب می‌شود که در موزه و کتابخانه ملک نگهداری می‌گردد. ولی به دلیل فقدان اطلاعات جامع و کامل و همچنین کمیاب و مدروس ماندن دیوان وی، آن‌گونه که شایسته است، تاکنون کمتر مورد توجه و شناخت قرار گرفته. امید است نگارش این مکتوب موجب آشنایی بیش‌تر ایشان از سوی اندیش‌مندان و صاحبان هنر و ادب گردد.

پی‌نوشت‌ها

۱. بهار ۱۳۸۰: ۱۸۴.
۲. همایی ۱۳۴۳: ۱۴۱.
۳. هدایت ۱۳۸۲: ۲۵۳-۲۵۲؛ دیوان بیگی ۱۳۶۴: ۳۱۴؛ فضایی ۱۳۶۲: ۳۶۵؛ خیام‌پور ۱۳۶۸: ۱۶۴، حداد عادل ۱۳۷۹: ۵۲۴؛ پرتو اصفهانی ۱۳۰۴ ق: ۲؛ معین ۱۳۷۹: ۱۲۰۳.
۴. آقابزرگ تهرانی ۱۴۰۸ ق: ۹۸۲؛ مشار ۱۳۵۰: ۱۳۴۰-۱۳۴۴.
۵. اعتمادالسلطنه ۱۳۶۴: ۲۱۶.
۶. همایی ۱۳۷۵: ۸۱؛ مشار ۱۳۵۰: همان.
۷. پرتو ۱۳۰۴ ق: همان.
۸. اعتماد مقدم ۱۳۳۹: ۳۲؛ هدایت ۱۳۵۳: ۲۴۵؛ هدایت ۱۳۸۲: همان.
۹. آقابزرگ تهرانی / همان؛ مشار/همان.
۱۰. اعتمادالسلطنه ۱۳۶۷: ۱۲۲؛ جابری انصاری ۱۳۷۸: ۱۴۱.
۱۱. غیاث الدین محمد ۱۳۶۳: ۲۷۴.
۱۲. دیوان بیگی ۱۳۶۴: همان.
۱۳. بیانی ۱۳۶۳: ۱۰۷۱.
۱۴. فضایی ۱۳۶۲: همان.
۱۵. هدایت ۱۳۸۲/همان؛ اعتمادالسلطنه ۱۳۶۴/همان؛ همایی ۱۳۷۵: ۸۱؛ رفیعی مهرآبادی ۱۳۵۲: ۵۰۴.
۱۶. اعتمادالسلطنه ۱۳۶۴: همان.
۱۷. بیانی: ۱۱۲۶-۱۱۲۷.
۱۸. همایی ۱۳۷۵: همان.
۱۹. رفیعی مهرآبادی ۱۳۵۲: همان.
۲۰. ایرانی اصفهانی ۱۳۱۲: ۴۱-۴۲-۴۶.
۲۱. هدایت ۱۳۸۲: همان.
۲۲. هدایت ۱۳۸۲: همان؛ هدایت ۱۳۵۳: ۲۴۵.
۲۳. حداد عادل ۱۳۷۹: همان.
۲۴. بیانی ۱۳۶۳: ۱۱۱۸.
۲۵. حداد عادل ۱۳۸۲: ۸۲.
۲۶. آتابای ۱۳۵۱: ص ط.
۲۷. هدایت ۱۳۸۲: ۱۷۳؛ دیوان بیگی ۱۳۶۴: همان.
۲۸. بیانی ۱۳۶۳: ۱۱۱۸-۱۱۱۹.

۲۹. همان: ۱۰۷۲-۱۱۱۸.
۳۰. عنقا ۱۳۴۳: ۱۴۴.
۳۱. حبیب آبادی: ۱۷۸۵-۱۷۸۹؛ همایی ۱۳۵۷: ۵۷۰؛ گل چین معانی ۱۳۴۸: ۱۷۳-۱۷۶؛ حقیقت ۱۳۶۸: ۴۰۲.
۳۲. عنقا ۱۳۴۳: ۱۳۴.
۳۳. همان: همان جا.
۳۴. همان: ۱۴۱.
۳۵. پرتو ۱۳۰۴: ۲۳.
۳۶. پرتو ۱۳۸۶: ۵۷-۵۸.
۳۷. سعدی ۱۳۶۵: ۷۱۴.
۳۸. پرتو ۱۳۸۶: ۶۱.
۳۹. حافظ ۱۳۷۴: ۱۳۲.
۴۰. پرتو ۱۳۸۶: ۱۱۲.
۴۱. همان: ۱۲۱.
۴۲. نخجوانی ۱۳۴۳: ۳۹۹-۵۵۰.
۴۳. گل چین معانی ۱۳۴۴: ۵۹؛ هنرفر ۱۳۴۴: ۷۹۲.
۴۴. رفیعی مهرآبادی ۱۳۵۲: ط ۵۰۴-۷۱۱.
۴۵. هنرفر ۱۳۴۴: همان.
۴۶. راه جیری ۱۳۶۴: ۵۹.
۴۷. ایرانی اصفهانی ۱۳۱۲: همان.
۴۸. دیوان بیگی ۱۳۶۴: همان.
۴۹. فضایی ۱۳۶۲: همان.
۵۰. آقازیرگ تهرانی ۱۴۰۸: همان؛ مهدوی ۱۳۴۸: ۱۶۰.
۵۱. پرتو ۱۳۰۴: ۲۴.
۵۲. هولاکو قاجار ۱۳۴۴: ۳۴.
۵۳. پرتو ۱۳۰۴: ۲۳.
۵۴. پرتو ۱۳۸۶: ۴۸.
۵۵. همان: ۵۸.
۵۶. همان: ۱۳۲.
۵۷. همان: ۳۷.

کتاب‌نامه

- آتابای، بدری. ۱۳۵۱. فهرست قرآن‌های خطی کتاب‌خانه سلطنتی. چ ۳. تهران: کتاب‌خانه سلطنتی.
- آقا بزرگ تهرانی، محمدمحسن. ۱۴۰۸ ق. الذریعه الی تصانیف الشیعه. بخش ۱ از جلد ۹. تهران: چاپ‌خانه مجلس.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. ۱۳۶۷. مرآه البلدان. به کوشش عبدالحسین نوایی و هاشم محدث. چ ۴. تهران: دانش‌گاه تهران.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. ۱۳۶۴ ق. المآثر و الآثار. چ سنگی. تهران: دارالطباعه خاصه دولتی.
- اعتماد مقدم، طلعت. ۱۳۳۹. تذکره طلعت: مجموعه نغمه‌های پراکنده. بی‌جا. بی‌تا. بی‌نا.
- ایرانی اصفهانی، عبدالمحمد. فروردین ۱۳۱۲. در اطراف شعرای معاصر. مجله ارمغان. س ۱۴، ش ۱.
- بهار، محمدتقی. ۱۳۷۴. سبک‌شناسی. ج ۳، چ ۷. تهران: امیرکبیر.
- بیانی، مهدی. ۱۳۶۳. احوال و آثار خوش‌نویسان. ج ۴، چ ۳. تهران: علمی.
- پرتو اصفهانی، میرزا علی‌رضا. ۱۳۰۴ ق. دیوان اشعار. به کوشش میرزا محمدحسین ادیب اصفهانی ملقب به فروغی. چاپ سنگی. تهران: دارالطباعه خاصه همایونی.
- پرتو اصفهانی، میرزا علی‌رضا. ۱۳۸۶. دیوان اشعار. به کوشش حجت توسلی. چ ۱. نائین: دانش‌گاه آزاد اسلامی.
- جابری انصاری، حسن. ۱۳۷۸. تاریخ اصفهان. به کوشش جمشید مظاهری چ ۳. اصفهان: مشعل.
- حافظ. ۱۳۷۴. دیوان. به اهتمام محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی. چ ۱۳. تهران: اقبال.
- حبیب آبادی، میرزا محمدعلی. مکارم الآثار (در احوال رجال دو قرن ۱۳ و ۱۴ هـ.ق). چ ۵. بی‌جا. بی‌تا. بی‌نا.
- حداد عادل، غلامعلی. ۱۳۷۹. دانش‌نامه جهان اسلام. چ ۱. تهران: بنیاد دائرالمعارف اسلامی.
- حقیقت، عبدالرفیع. ۱۳۶۸. فرهنگ شاعران زبان پارسی. چ ۵. تهران: شرکت مولفان و مترجمان.
- خیام پور، عبدالرسول. ۱۳۶۸. فرهنگ سخنوران. چ ۴. تهران: طلایه.
- دیوان بیگی شیرازی، احمد. ۱۳۶۴. حدیقه الشعرا، به تصحیح و تکمیل و تحشیه عبدالحسین نوایی. ج ۱، چ ۱. تهران: امیر کبیر.
- راه‌گیری، علی. ۱۳۶۴. تذکره خوش‌نویسان معاصر، ج ۱، چ ۴. تهران: امیرکبیر.
- رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم. ۱۳۵۲. آثار ملی اصفهان. چ ۲. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- سعیدی. ۱۳۵۵. کلیات. به اهتمام محمدعلی فروغی. چ ۵. تهران: امیرکبیر.

- عنقا، محمدحسین. ۱۳۴۳. برگزیده دیوان سه شاعر اصفهان. با مقدمه و حواشی جلال‌الدین همایی. چ ۲. تهران: فروغی.
- غیاث‌الدین محمدبن جلال‌الدین رامپوری. ۱۳۶۳. غیاث اللغات، به کوشش منصور ثروت. چ ۵. تهران: امیرکبیر.
- طرب اصفهانی، میرزاابوالقاسم. ۱۳۴۲. دیوان طرب اصفهانی. با مقدمه و حواشی جلال‌الدین همایی. چ ۲. تهران: فروغی.
- فضایی، حبیب‌الله. ۱۳۶۲. اطلس خط تحقیق در خطوط اسلامی. چ ۲. اصفهان: تشریه انجمن آثار ملی اصفهان.
- گلچین معانی، احمد، ۱۳۴۸. تاریخ تذکریهای فارسی. ج ۲. چ ۲. تهران: دانش‌گاه تهران.
- گلچین معانی، احمد. ۱۳۴۴. تعلیقات بر تذکره منظوم رشحه اصفهانی. چ ۲. تهران: امیرکبیر.
- مشار، خان بابا. ۱۳۵۰. فهرست کتابهای چاپی. ج ۴. چ ۲. تهران: ارژنگ.
- معین، محمد، ۱۳۷۹. فرهنگ لغات فارسی. ج ۵. چ ۱۵. تهران: امیرکبیر.
- منزوی، احمد. ۱۳۵۳. فهرست نسخه‌های خطی فارسی. چ ۳. تهران: موسسه فرهنگی و منطقه‌ای تهران.
- مهدوی، مصلح‌الدین. ۱۳۴۸. تذکره القیور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان. چ ۲. اصفهان: مشعل.
- نخجوانی، حسین. ۱۳۴۳. مواد التواریخ. چ ۲. تهران: ادبیه.
- هدایت، رضاقلی خان. ۱۳۸۲. مجمع الفصحا. به کوشش مظاهر مصفا. ج ۲. چ ۴. تهران: امیرکبیر.
- هدایت، محمود. ۱۳۵۳. گلزار جاویدان. ج ۱. چ ۲. تهران: انوشه.
- همایی، جلال‌الدین. ۱۳۷۵. تاریخ اصفهان. ج ۱، چ ۴. تهران: هما.
- همایی، جلال‌الدین. ۱۳۵۷. اسرار و آثار واقعه کربلا. چ ۳. تهران: دهخدا.
- هنر فر، لطف‌الله. ۱۳۴۴. گنجینه آثار تاریخی اصفهان. چ ۳. اصفهان: گلها.
- هولاکو قاجار، احمد. ۱۳۴۴. مصطبه خراب. به کوشش عبدالرسول خیام‌پور. چ ۲. تبریز: دانش.

